

پیش‌گیری رشدمدار از خشونت علیه اطفال در افغانستان*



نگارنده: دکتر عبدالملک وحیدی**

چکیده

خشونت علیه اطفال در جوامع مختلف دیده می‌شود؛ اما در افغانستان به دلیل شرایط ناگوار اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و به‌خصوص ضعف فرایندهای آموزشی و تربیتی، این پدیده بیش‌تر بوده و پیامدهای ویران‌گری بر جای می‌گذارد. پرسش این است که در برابر امواج روزافزون خشونت علیه اطفال، چه تدبیری می‌توان اندیشید و کدام سازوکار پیش‌گیرانه را می‌توان برای کاهش خشونت علیه اطفال، اتخاذ کرد؟ پاسخ به این پرسش، مهم است؛ چه این که آینده کشور، منوط به حمایت از اطفال آینده‌ساز است. نوشته حاضر تلاش کرده با روش تحلیلی و با استفاده از داده‌های کتاب‌خانه‌یی و با رویکرد جرم‌شناختی، به این مهم بپردازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که: پیش‌گیری وضعی و اجتماعی در شرایط کنونی افغانستان برای جلوگیری از خشونت علیه اطفال مناسب نیست. روش به‌تر، رفع آسیب‌پذیری اطفال در معرض خطر از طریق سازوکارهای آموزشی و نظارتی مندرج در پیش‌گیری رشدمدار می‌باشد، که پیش‌نهادهای مشخصی را در باب اصلاح متون آموزشی، ایجاد کانون مشاوره در مکتب، آموزش اولیا و مربیان، برگزاری برنامه حلقه‌های خانواده‌گی، تأسیس کلینیک حقوقی اطفال، ایجاد مرکز آمار و گزارش خشونت علیه اطفال و ... ارائه می‌کند. این موارد می‌تواند راه‌های مؤثری برای تأمین مصونیت اطفال به حساب آیند.

واژه‌گان کلیدی: خشونت، تدابیر پیش‌گیرانه، پیش‌گیری رشدمدار، اطفال،

افغانستان.

* مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه مقطع ماستری نگارنده است، که تحت عنوان «سیاست جنایی تقنینی افغانستان در قبال بزه‌دیده‌گی اطفال در پرتو اسناد بین‌المللی» در سال ۱۳۸۹ دفاع شده است.

** کادر علمی دیپارتمنت قضایی - خازنوالی، پوهنځی حقوق و علوم سیاسی، پوهنتون غالب، هرات، افغانستان (drvahidi1980@gmail.com)
این مقاله تحت مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International License ثبت می‌باشد.

Developmental Prevention of Violence against Children in Afghanistan

Author: Dr. Abdul Malek Vahidi*

Abstract

Violence against children is seen in different societies; but in Afghanistan, due to the unfortunate social, economic, political, cultural conditions, and especially the weakness of educational processes, this phenomenon is excessive and leaves devastating consequences. The question is, what measures can be taken against the increasing waves of violence against children and what preventive mechanism can be adopted to reduce violence against children? The answer to this question is important; What if the future of the country depends on the support of future-making children. This article addresses this issue with an analytical method using library data and a criminological approach. The findings of the research show that: situational and social prevention is not suitable for preventing violence against children in the current conditions of Afghanistan. The best way is to remove the vulnerability of children at risk through educational and monitoring mechanisms contained in growth-oriented prevention which include specific proposals regarding the revision of the educational texts, the creation of a counseling center in schools, the training of parents and teachers, and the holding of the circle program, providing family services, establishing a legal clinic for children, creating a statistics center and reporting violence against children, etc. These cases can be considered as the effective ways to ensure children's immunity.

Keywords: Violence, Preventive Measures, Developmental Prevention, Children, Afghanistan.

* faculty of Law and Political Science, Ghalib University, Herat, Afghanistan (drvahidi1980@gmail.com)



۱. مقدمه

باگسترش روزافزون پدیده‌های جنایی، آمار خشونت علیه اطفال افزایش می‌یابد. بدین ترتیب تصمیم‌سازی و اقدام برای اتخاذ تدابیر پیش‌گیرانه افزایش یافته است. جرم‌شناسان انواع پیش‌گیری وضعی و اجتماعی را مطرح کرده‌اند. بسیاری از دولت‌ها، در رویاروی با پدیده خشونت علیه اطفال، سیاست جنایی مشخصی دارند. پرسش این است، که در برابر امواج روزافزون خشونت علیه اطفال، در افغانستان چه تدبیری می‌توان اندیشید و کدام سازوکار پیش‌گیرانه را می‌تواند برای کاهش خشونت علیه اطفال، اتخاذ کرد؟

آسیب‌پذیری اطفال و نقش آینده‌ساز شان در ترسیم فردای کشور، برکسی پوشیده نیست. این امر، اهمیت پیش‌گیری از خشونت علیه اطفال و تحقیق در این زمینه را نشان می‌دهد. نوشته حاضر برای پاسخ‌گویی به پرسش فوق و به منظور ارائه پیش‌گیرانه جهت رشد اطفال و جلوگیری از خشونت علیه آنان تدوین شده است. در این زمینه تحقیقات قبلی صورت گرفته است، که کافی به نظر نمی‌رسد؛ چه این که پایان‌نامه محمد داود رضایی، تحت عنوان «سیاست جنایی افغانستان در قبال اطفال بزه‌کار»، هر چند اشاراتی به بحث انواع پیش‌گیری وضعی و اجتماعی داشته است (رضایی، ۱۳۹۰: ۱۷)؛ اما سازوکارهای تدابیر پیش‌گیرانه رشدمدار را باز نتابیده است. ضمن این که بحث وی در قلمرو بزه‌کاری است، نه بزه‌دیدگی. خانم معصومه سادات نورمحمدی در کتاب «سیاست جنایی افغانستان در قبال زنان بزه‌دیده»، پیش‌گیری از جرم را به بحث گرفته است و سازوکارهایی را مطرح نموده است؛ اما بیش‌تر رویکرد کنترل و سیاست جنایی تقنینی را مدنظر داشته است (نورمحمدی، ۱۳۹۰: ۲۵)؛ به علاوه، توجه ایشان معطوف به خشونت علیه زنان بوده و از بانوان بزه‌دیده سخن گفته است. در افغانستان مطالب پژوهشی مرتبط به این عنوان به نشر نرسیده است. هر چند متن‌هایی در روزنامه‌های هشت صبح و اطلاعات روز دیده می‌شود، که بیش‌تر توصیف روزنامه‌یی از وضعیت حقوق بشری اطفال در افغانستان است. تحقیق فرید محسنی با عنوان «دست‌آوردهای نظری و عملی جرم‌شناسی رشدمدار»، کار قابل توجهی است؛ ولی حاوی راه‌کارهای قابل اجرا برای پیش‌گیری از خشونت علیه اطفال نیست، بل که بیش‌تر به تحلیل تیوریک مباحث جرم‌شناختی، بزه‌کاری به صورت کلی پرداخته است (محسنی، ۱۳۹۳: ۱۶۰). نوشته‌های دیگری از قبیل کتاب «پیش‌گیری از جرم» (پیش‌گیری رشدمدار) (مه‌دوی، ۱۳۹۸: ۵۵) و ... وجود دارد؛ اما بحث پیش‌گیری رشدمدار از خشونت علیه اطفال در افغانستان را مطرح نکرده است. بیش‌تر مطالب ناظر به وضعیت اطفال در ایران و دیگر کشورها است. وجه تمایز این مقاله، این است که با استفاده از داده‌های جرم‌شناختی بزه‌دیده‌مدار، پیش‌نهادهای کاربردی و قابل‌اجرایی را متناظر به شرایط افغانستان، جهت پیش‌گیری رشدمدار از خشونت علیه اطفال این سرزمین ارائه می‌نماید.

نوشته حاضر، کوشش می‌کند در محدوده مطالعاتی حقوق اطفال افغانستان، داده‌های جرم‌شناختی بزه‌دیده‌مدار را با روش تحلیلی-توصیفی به صورت کتاب‌خانه‌یی به بررسی گیرد و پیش‌نهادهای کاربردی و قابل‌اجرایی را متناظر به شرایط افغانستان، جهت پیش‌گیری رشد‌مدار از خشونت علیه اطفال این سرزمین ارائه نماید. همین امر، وجه تمایز این مقاله را با نوشته‌های پیشین نشان می‌دهد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که: در میان انواع تدابیر پیش‌گیرانه، پیش‌گیری وضعی و اجتماعی در شرایط کنونی افغانستان برای جلوگیری از خشونت علیه اطفال مناسب نیست. روش به‌تر رفع آسیب‌پذیری اطفال در معرض خطر از طریق سازوکارهای آموزشی و نظارتی مندرج در پیش‌گیری رشد‌مدار می‌باشد، که پیش‌نهادهای مشخصی را در باب اصلاح متون آموزشی، ایجاد کانون مشاوره در مکتب، آموزش اولیا و مربیان، برگزاری برنامه حلقه‌های خانواده‌گی، تأسیس کلینیک حقوقی اطفال، ایجاد مرکز آمار و گزارش خشونت علیه اطفال و ... ارائه می‌کند. این موارد می‌تواند راه‌های مؤثری برای تأمین مصونیت اطفال به حساب آیند.

۲. مفهوم پیش‌گیری

پیش‌گیری، که معادل عربی «وقایه» و انگلیسی «Prevention» می‌باشد، به دو معنای متفاوت جلوگیری کردن و پیش‌دستی کردن آمده است. در فرهنگ معین برای این واژه معنای «جلوگیری» (۱۳۷۱: ۵۱) درج شده است؛ و مشیری گفته است: «مانع‌شدن و از پیش‌مانع‌شدن چیزی، دفع، صیانت، جلوگیری، اقامت احتیاطی برای جلوگیری از اتفاقات بد و ناخواسته می‌باشد» (۱۳۸۴: ۵۱)؛ اما در برخی منابع، پیش‌گیری به معنای «پیش‌دستی کردن، پیشی گرفتن، به جلو چیزی رفتن، آگاه کردن، هُش‌دار دادن و...» (زینالی، ۱۳۸۷: ۱۸۴) هم به کار رفته است. باوجود این که «روح و جوهره مفهوم لغوی پیش‌گیری در مفهوم اصطلاحی حفظ شده است» (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۵: ۹۸)، اما به دلیل تفاوت مبانی، روی کرد دوگانه‌یی نسبت به این مفهوم دیده می‌شود.

۲-۱. مفهوم موسع

مفهوم موسع پیش‌گیری، روی کردی است، که دوجنبه «کنشی» و «واکنشی» را دربرگرفته و شامل هرگونه مواجهه کیفری و غیرکیفری در قبال جرم می‌گردد. از این روی کرد در ادبیات فارسی به این گونه‌ها تعبیر شده است: نجفی ابرندآبادی در این زمینه آورده است: «مطابق این مفهوم [موسع] هرآنچه علیه جرم بوده و آن را کاهش دهد، پیش‌گیری محسوب می‌شود» (۱۳۸۰: ۷۴). محمدعلی اردبیلی بیان داشته است: «پیش‌گیری به معنای عام را می‌توان به کارگیری راه‌کارهای

گوناگون برای جلوگیری از بزه‌کاری توصیف کرد» (۱۳۷۹: ۱۵۹)؛ هم‌چنین ابوالحسن شاکری پیش‌گیری در مفهوم موسع را «مجموعه‌یی از تدابیر فردی و جمعی برای خنثاکردن عوامل ترکیبی وقوع جرایم توسط مجرمان در آینده» (۱۳۸۳: ۱۰) می‌داند.

چنان‌که معلوم است، این تعابیر به‌رغم تفاوت در الفاظ و تعابیر، مشابه است. جوهر واحد در این تعابیر، توسعه در مفهوم، قلم‌رو، ابزار و روش است؛ به‌گونه‌یی که همه جوانب پاسخ‌های پیش‌گیرانه را در بر گرفته و هر تدبیری که به‌نحوی از انحاء و با هر روش و ابزاری در راستای کاهش جرم عمل کند، پیش‌گیری جرم تلقی شده است. در واقع همه مکانیزم‌های کیفی از قبیل انواع مجازات، جبران خسارت، مجازات‌های جای‌گزین حبس و نیز هرگونه اقدامات غیر کیفی از قبیل برخوردهای اداری و انتظامی، اقدامات وضعی و تدابیر تربیتی و اصلاحی را شامل می‌شود.

۲-۲. مفهوم مضیق

ره‌یافت دیگری که در زمینه پیش‌گیری از جرم اظهار شده است، روی‌کرد مضیق است. در این روی‌کرد، «گرانی‌گاه پیش‌گیری، تدابیر کنشی است» (رایجیان اصلی، ۱۳۸۳: ۱۶۸). این دریافت از پیش‌گیری، هرگونه تدبیر سیاست جنایی یک کشور را که متقدم بر ارتکاب جرم باشد و با هدف کاهش خشونت صورت گیرد، شامل می‌شود. در این روی‌کرد، دو وجه بارز دیده می‌شود: یکی کنشی‌بودن و دیگری غیر قهرآمیزبودن. این وجه در بیان نجفی ابرندآبادی، آمده است (۱۳۷۹: ۷۳۴)؛ هم‌چنین در بیان موریس کوسن و گسن ریموند، بازتاب یافته است (ریموند، ۱۳۷۰: ۱۳۳)؛ بنابراین، پیش‌گیری در مفهوم مضیق، هرگونه تدابیر غیر کیفی است، که به‌صورت متقدم بر عمل جرمی، به‌منظور کاهش پدیده‌های مجرمانه اعمال می‌گردد.

به‌هر تقدیر، پیش‌گیری در این روی‌کرد شامل تمام تدابیر و اقداماتی می‌شود که از سوی دولت و جامعه مدنی و اشخاص برای کاهش، کنترل یا متوقف کردن جرم در جامعه اعمال می‌گردد؛ هرچند تعاریف پیش‌گیری در این روی‌کرد، مختلف است، اما روح واحدی در آن دیده می‌شود. کنشی‌بودن و غیر کیفی‌بودن، فصل‌قیم آن است. در این ره‌یافت، پیش‌گیری در دو حوزه جامعه‌مدار و رشدمدار مطرح است. در پیش‌گیری جامعه‌مدار، توجه به فضای عمومی جامعه داشته و به محیط‌های عمومی جرم‌زا از قبیل عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی اشاره دارد؛ اما پیش‌گیری رشدمدار توجه به جنبه‌های شخصی وقوع جرم داشته و نقش بزه‌دیده در شکل‌گیری بسترهای مجرمانه را در نظر دارد.

۳. پاسخ‌های پیش‌گیری رشدمدار در قبال خشونت علیه اطفال

در گسترش خشونت علیه اطفال، همان‌گونه که محیط، فرهنگ، اقتصاد و دیگر عوامل عمومی

اثرگذار است، عوامل درونی و شخصی نیز مؤثر است. عوامل شخصی از قبیل خردسالی، جنسیت، معلولیت و به‌ویژه حالت جوان‌گرایی، در بسیاری از موارد اطفال را در معرض خطر قرار داده و آنان را، موردی آماده برای بزه‌کاران بالقوه قرار می‌دهد. برای این وضعیت باید چاره‌جویی کرد. هرگونه راه‌کار برای حل یک چالش، باید متناسب با زمینه‌ها و عوامل اثرگذار آن باشد. تمرکز پیش‌گیری اجتماعی جامعه‌مدار در ابعاد خرد و کلان، شناخت، ارزیابی و درنهایت کنترول و توقف عوامل عمومی - فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و خانوادگی و اجتماعی است. اتخاذ تدابیر پیش‌گیرانه صرفاً متناظر به این عوامل کافی نیست؛ بدین ترتیب، باید به پیش‌گیری اجتماعی رشد‌مدار نیز اهمیت داد. این رهیافت از پیش‌گیری، بیش‌تر متناظر با عوامل شخصی از قبیل عوامل فوق بوده و به موقعیت‌های بزه‌دیده‌زایی اشاره دارد، که اطفال را به‌صورت مزمن و مکرر، آماج بزه قرار می‌دهد؛ از این‌رو در تلاش است با ایجاد زمینه‌های رشد مناسب اطفال، موقعیت او را ارتقا بخشد. طبیعی است که این روند مبتنی است علاوه بر اجرای برنامه‌های معمول مکتب، تدابیری را شامل خواهد شد که بتواند در اوقات فراغت اجرا شده و زمینه ارتقای سلامت اطفال و امنیت روانی و اجتماعی آن‌ها را در محیط مدرسه، مکتب، محله، محل بازی و کار فراهم کند. طبیعی است نتیجه نهایی این تدابیر، تقویت ثبات خانواده، انسجام اجتماعی و کاهش خشونت علیه اطفال در نسل‌های بعدی خواهد شد.

در حقیقت پیش‌گیری اجتماعی رشد‌مدار، هدف‌های مهمی را در پی دارد. این اهداف هرچند از طریق ترکیب اقدامات مناسب تربیتی، از ره‌گذر افزایش توان پرورشی خانواده‌ها، صورت می‌گیرد؛ اما درنهایت در پی تقویت دایره معرفتی اطفال بوده و ظرفیت‌های روانی و اجتماعی اطفال را افزایش خواهند داد (García & Ziff, 2019: 142). تحقق این اهداف اساسی با توجه به شرایط و اوضاع و احوال مختلف، در کشور ما از طریق فعالیت، سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی دولت و نهادهای مردمی، در دو زمینه آموزشی و نظارتی ذیل می‌باشد:

۳-۱. حوزه آموزش

روح پیش‌گیری اجتماعی را برنامه‌های آموزشی شکل می‌دهد. برنامه‌هایی که بتواند قابلیت پرورشی والدین را افزایش داده و ظرفیت اجتماعی اطفال را بالا ببرد، توانایی شناختی اطفال در مسیر رشد و تعالی را توسعه دهد و از «آماج‌بودن اطفال» جلوگیری نماید. این برنامه زمانی می‌تواند موفق باشد، که افراد مهم و نهادهای اثرگذار در این زمینه را تحت پوشش قرار دهد. با توجه به شرایط کشور، اطفال، والدین، سرپرستان، علما و معلمان در این دایره قرار می‌گیرند.

۳-۱-۱. آموزش به اطفال

روشن است که این آموزش، با آموزش‌های رسمی و حرفه‌یی متفاوت است؛ این‌جا منظور

آموزش‌هایی است که بتواند «خودایمن‌سازی اطفال» را در پی داشته و در مسیر پیش‌گیری از بزه‌دیدگی مؤثر باشد. برنامه‌های آموزشی در این زمینه در یک دوره کوتاه‌مدت قابل اعمال نیست؛ بل که متناسب با شرایط سنی طفل بوده و دوره‌های قبل و بعد از مدرسه را دربر می‌گیرد؛ اما نکته اساسی این است که این برنامه هم از حیث محتوا و هم از لحاظ راه‌کارهای آموزشی موفق بوده و خودمدیریتی لازم را در اطفال ایجاد می‌نماید.

۳-۱-۲. محتوای آموزشی

یکی از نکات مهم در پیش‌گیری رشدمدار، این است که چه چیزی باید به اطفال آموزش داد، که بتوان از طریق آن زمینه، آماج‌بودن دایمی و بزه‌دیدگی احتمالی آنان را از بین برد؟ این مسأله ممکن است کم‌وبیش در میان اطفال کشورهای مختلف یک‌سان باشد؛ اما باتوجه به شرایط کشور ما، مسائلی هم‌چون خودآگاهی، مهارت ارتباطی، شناخت و نحوه مواجهه با خطر، عدم تحمل خشونت و نحوه حفاظت از خود را در صدر برنامه آموزشی جهت پیش‌گیری از بزه‌دیدگی اطفال قرار داد.

۱. یک برنامه آموزشی باید قبل از هرچیز، اطفال را به «خود آگاهی» برساند؛ به این معنا که یک طفل که تحت این برنامه قرار می‌گیرد، می‌باید شناخت لازم از خود، هویت، موقعیت خود و اساساً آگاهی کافی از حقوق خود داشته‌باشد. برای برنامه پیش‌گیری از بزه‌دیدگی اطفال، لازم است بدانند چه مسائلی در دایره حقوق او قرار دارد و می‌تواند آن را از خانواده و جامعه مطالبه نماید. به‌گونه معمول در بررسی مصادیق و ابعاد بزه‌دیدگی اطفال، این واقعیت نمایان می‌گردد که برخی از اطفال بزه‌دیدگی، به اندازه کافی از حقوق شان آگاهی نداشته‌اند؛ لذا بسیاری از حق‌کشی‌ها، بزه‌دیدگی‌ها و مظالمی که علیه‌شان روا داشته می‌شده است، به‌صورت یک هنجار و سرنوشت طبیعی و محتوم پذیرفته‌اند؛

۲. نکته دیگر، مسأله مهارت ارتباطی است. یکی از مشکلات جدی اطفال، به‌ویژه در سنین پایین و خصوصاً اطفالی که در خانواده‌های ناسالم زنده‌گی می‌کنند، عدم برخورداری از مهارت ارتباطی است. این اطفال در برقراری رابطه با اعضای فامیل و در مرحله بعد ارتباط با افراد جامعه مشکل دارند. همین مسأله، گاه موجب آسیب‌دیدگی آنان گشته و آن‌ها را از حقوق‌شان محروم می‌گرداند؛ از این‌رو، باید در برنامه آموزشی مدنظر قرار گیرد و مهارت‌های ارتباطی لازم به اطفال آموزش داده شوند؛

۳. بحث دیگری که در جامعه به‌صورت یک امر جدی، حساس و تعیین‌کننده در پیش‌گیری از بزه‌دیدگی اطفال به‌حساب آمده و باید در برنامه آموزشی موردتوجه قرار گیرد، مسأله آموزش «عدم تحمل خشونت» است. چه این‌که، براساس فضای فرهنگی و اجتماعی حاکم بر اطفال، بسیاری از

آن‌ها در قبال بزه و خشونت انعطاف‌پذیر بوده و نه تنها موضع‌گیری به‌جا و مناسبی ندارند، که انواع خشونت را به مثابه یک هنجار اجتماعی، طبیعی دانسته و تحمل آن را جزو سرنوشت محتوم خویش می‌پندارند. این مسأله در مورد محرومیت از تحصیل دختران، استفاده از اطفال در تکدی، کار، ازدواج در سنین پایین و به‌ویژه توهم‌های تربیتی هم‌راه با تنبیه بدنی اطفال و... بیش‌تر احساس می‌شود؛ از این‌رو، برنامه آموزشی، ضمن آگاه‌نمودن اطفال از حقوق‌شان، باید این روحیه را در آن‌ها ایجاد کند که در مقابل ظلم و ستم حساس بوده و «شجاعت بیش‌تری را در خود جست‌وجو کنند، تا بر خصلت‌های نهادینه‌شده در وجودشان، فایق آیند و از این‌که به یک مزاحم، صریحاً بگویند که گفتار و رفتارشان به‌هیچ‌وجه مقبولیت ندارد، نهراسند» (عظیم‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۶۶)؛

۴. مطلب دیگری که در زمینه محتوای این‌گونه آموزش باید موردتوجه قرار گیرد، نحوه شناخت و تشخیص خطر و چه‌گونه‌گی مواجهه با آن، به اطفال است. این امر، بعد از خودآگاهی اطفال و اطلاع از حقوق‌شان و حساسیت آن‌ها در قبال ظلم و تجاوز، مهم‌ترین مسأله در برنامه آموزشی در قبال پیش‌گیری رشد‌مدار از خشونت علیه اطفال می‌باشد. این مسأله باید موردتوجه قرار گیرد، که چه‌گونه می‌توان راه‌های شناخت خطر را به اطفال آموخت و آنان را در موضع‌گیری به‌جا و مناسب یاری نمود. این امر، نیازمند برنامه‌ریزی درست و استفاده از مددکاران اجتماعی و پرستاران حرفه‌یی و روان‌شناسان و مشاوران آموزش‌دیده است که باید مورد توجه مسؤولان و نهادهای ذی‌ربط قرار گیرد؛ راهی که برای «خودایمن‌سازی اطفال» بسیار مهم به نظر می‌رسد؛ زیرا توانایی آنان بر شناخت موقعیت جرم‌زا و اتخاذ موقف مناسب در قبال آن، گام مهم در حفاظت آنان از خود و پیش‌گیری از بزه‌دیده‌گی‌شان می‌باشد.

۳-۱-۳. راه‌کار اجرای آموزش

یکی از مهم‌ترین مسائل در برنامه آموزشی علاوه بر داشتن محتوا و پیام مطلوب، راه‌کارهای مناسب برای اجرای برنامه آموزش و نحوه انتقال پیام به اطفال می‌باشد. این مسأله، به اندازه اصل محتوای آموزش مهم به نظر می‌رسد. برنامه‌های اجرایی، متناسب با سن رشد طفل می‌تواند به‌صورت متفاوت دسته‌بندی گردد، که عمده آن مراحل قبل و بعد از سن مکتب می‌باشد.

۳-۲. تأسیس مراکز آماده‌گی

در مرحله قبل از سن مکتب مهم‌ترین برنامه اجرایی که بتواند پیام آموزشی را به اطفال انتقال دهد، برنامه «آماده‌گی» است که به‌صورت پیش‌ابتدایی عرضه می‌گردد. این امر تنها برای بهبود وضعیت آموزش اطفال نیست؛ هرچند برای رشد ذهنی و قدرت یادگیری اطفال در مراحل بعدی

فرایند آموزش مؤثر است؛ با این وجود، ثمره عمده اجرای این برنامه، ایجاد آماده‌گی روانی برای اطفال جهت گذار از محیط خانواده به محله و مکتب است.

اطفال، تجربه زنده‌گی دور از خانه و جدا از والدین را ندارند. ادامه این وضعیت، بستر آسیب‌پذیری آنان در برابر سوءاستفاده‌های احتمالی را فراهم می‌کند. برای کنترل این شرایط، تدبیر مناسب، ایجاد مراکز آماده‌گی است. چیزی که امروزه در بسیاری از کشورها معمول شده و نتیجه مثبت به ارمغان آورده است. اجرای این برنامه به اطفال کمک می‌کند مرحله گذار از خانه به مکتب را به صورت طبیعی، تدریجی و با آماده‌گی روانی سپری نمایند. نمونه‌هایی از این برنامه در برخی از کشورها جواب مثبت داده است. نمونه موفق آن برنامه دو ساله، آماده‌گی توسط دکتر «وای کارت»^۱ در امریکا است، که برای اطفال سه و چهارساله اجرا شده و تا حدود زیادی موفق بوده است. برای اثبات این واقعیت، به مدت سه دهه، در یک پیش‌ابتدایی به نام «پری» ارزیابی منظمی روی ۱۲۳ نفر از اطفال امریکایی افریقایی تبار صورت گرفته است، که نتیجه شگفت‌انگیزی به دست داده است. افرادی، از گروهی که از برنامه استفاده کرده‌اند در سطوح مختلف و بدون تفاوت‌های عمده بر حسب نوع و جنس به طور قابل توجهی تا چهار برابر از نظر اجتماعی یک‌پارچه شده بودند و درآمد ماهیانه آن‌ها به مراتب از گروهی که مشمول این برنامه نبودند، فراتر بوده است (گاریو، ۱۳۸۱: ۲۸۶).

وی هم‌چنین علاوه می‌کند که سود مالی این برنامه نیز قابل توجه بوده و در ازای هر «یک فرانک سرمایه‌گذاری در برنامه، در نهایت سودی پیش از هفت فرانک به دست آمده است» (گاریو، ۱۳۸۱: ۲۸۷).

۳-۳. تأسیس کانون مشاوره

از جمله راه‌کارهای اجرایی دیگر برای انتقال محتوای آموزشی به اطفال، تأسیس کانون مشاوره اطفال، با محوریت فعالیت در مدارس و مکاتب است. تشکیل این کانون با حمایت‌های مالی دولت و با پشتی‌بانی فرهنگی، علمی و انسانی نهادهای مختلف اجتماعی، گام مهمی در انتقال پیام به اطفال است. به گونه‌یی که می‌تواند آنان را در برابر بزه‌دیده‌گی مقاوم ساخته و زمینه‌های رشد و تعالی آنان را فراهم سازد. مرکز مشاوره می‌تواند از طریق ارتباط منطقی با اطفال، مشکلات اجتماعی آن‌ها را درک نموده و پاسخ‌های مناسبی را پیش‌نهاد نماید و از این طریق آن‌ها را در ورود به عرصه اجتماع کمک نماید و در تحلیل مشکلات خانواده‌گی و فرهنگی یاری رساند.

¹ . D.W eikart

۳-۴. اصلاح متون درسی

راه‌کار دیگری که بتواند پیام آموزشی پیش‌گیری رشد‌مدار را به اطفال انتقال دهد، اصلاح کتب درسی و درج برنامه‌های رشد‌مدار در متون درسی است. هرچه آگاهان عرصه تعلیم و تربیت و مسؤولان معارف کشور اهمیت پیش‌گیری رشد‌مدار را درک نمایند، به همان اندازه احساس خواهند کرد که درج محتوایی که بتواند برای رشد روانی و اجتماعی اطفال در برابر پدیده‌های مجرمانه، ضروری است. مطالب درسی علاوه بر این که آگاهی اطفال را در علوم مختلف افزایش می‌دهد، باید زمینه ارتقای شخصیت آنان را نیز فراهم نماید.

۳-۵. فعالیت رسانه‌ای

نکته مهم دیگری که می‌تواند به‌عنوان راه‌کار مناسبی در زمینه اجرای آموزش‌های پیش‌گیرانه در نظر گرفته شود و تأثیرات مثبت و مناسبی بر زنده‌گی اطفال داشته‌باشد، این است که امارت اسلامی افغانستان ضمن تطبیق قوانین گذشته، بعدازاین در سیاست جنایی تقنینی خود جای‌گاه خاصی را برای «حمایت از حقوق اطفال در رسانه‌ها» در نظر گیرد و با وضع فرمان‌ها و مقرره‌هایی، اجرایی‌شدن آن را از رسانه‌های دولتی و خصوصی مطالبه نماید.

بنابراین، اگر رسانه‌ها در چهارچوب مقررات پیش‌گفته بخشی از برنامه‌های جاری خود را به موضوع طفل، به‌ویژه از حیث تعالی‌بخشی روحی و روانی آنان و هم‌چنین آشنایی آن‌ها از حقوق شان و چه‌گونه‌گی مواجهه اطفال با شرایط مخاطره‌آمیز اختصاص دهند و به‌صورت حرفه‌یی اجرا نمایند، بسیار مؤثر خواهد بود. در این صورت، قسمت عمده پیام‌ها به‌صورت طبیعی به اطفال منتقل خواهد شد. دولت مؤظف است برای حمایت از اطفال، به‌جای تمرکز بر عدالت جزایی و اجرای مجازات، امر پیش‌گیری را جدی گرفته و در این راستا به‌منظور حمایت از برنامه‌های طفل در تلویزیون، نشر مجلات ویژه اطفال، تولید برنامه‌های تصویری و بازی‌های هدف‌دار برای اطفال، تدوین کتاب‌های ویژه اطفال، داستان‌های کوتاه و... را روی دست گیرد.

۳-۶. آموزش به اولیا، معلمان و عالمان

هرچند برنامه آموزشی برای اطفال و اجرای مناسب آن اطفال را از رشد اجتماعی بالایی برخوردار می‌سازد و آنان را در قبال بزه‌دیده‌گی تا حدودی مقاوم می‌کند، اما این راه‌کار به تنهایی کافی نیست. بل که بخش دیگری از برنامه متوجه والدین، معلمان، عالمان و همه کسانی است که با اطفال به‌صورت روزمره سروکار دارند. آگاهی این افراد از حقوق، روحیات و ظرافت‌های برخورد با اطفال، به اندازه آگاهی خود اطفال دارای اهمیت است. این مسأله نیز دارای دو بعد مهم است، یکی محتوای آموزشی و دیگری نحوه اجرای آن.

۳-۶-۱. محتوای آموزشی

طبیعی است که امارت اسلامی با امکانات محدود خود نمی تواند به آسانی زمینه تحصیلات والدین را فراهم نماید و همه خانواده ها را از نعمت سواد بهره مند گرداند، اما برای پیش گیری از بزه دیدگی اطفال در کشور و جلوگیری از پیامدهای ناگوار آن، می توان برنامه هایی را اجرا نماید و پیام های مشخصی را به والدین، معلمان و علما که بیش ترین تماس را با اطفال دارند و بر سرنوشت و تربیت شان مسؤوَل و مؤثر می باشند منتقل نماید؛ البته این پیام ها یک سان نیست؛ چه این که برخی جنبه فرهنگی، برخی جنبه پزشکی و بهداشتی، برخی جنبه حقوقی داشته باشد و برخی جنبه عمومی؛ هم چنین محتوای آموزشی بر اساس مخاطبان خود نیز متفاوت می باشد؛ چرا که برخی صرفاً مربوط به والدین می باشد و برخی دیگر مرتبط با معلمان و علما به عنوان آموزگاران اطفال در کشور.

به هر تقدیر، آن چه در مجموع می باید به صورت پیام آموزشی درآمده و به والدین، معلمان و علما منتقل شود، مسائل ذیل است:

۱. آموزش و مشاوره جوانان برای انتخاب همسر و چه گونه گی تشکیل خانواده و نحوه حل مشکلات خانواده گی، بدین منظور که بعد از ازدواج و فرزندآوری، آماده گی لازم برای تربیت درست اطفال را داشته باشند؛

۲. آموزش برنامه های تنظیم خانواده و نحوه مراقبت از جنین و نگه داری نوزاد، که هر گونه بی توجهی در این مورد ممکن است تأثیر طولانی مدت روی اطفال باقی بگذارد؛

۳. آموزش مهارت های اولیه مراقبت از طفل، نحوه تغذیه مناسب و رسیده گی به نیازهای جسمی و بهداشتی اطفال؛

۴. آموزش نیازهای روحی، جسمی، بهداشتی، عاطفی و... اطفال به والدین، معلمان و علما و نحوه تأمین این نیاز و چه گونه گی موضع گیری مناسب در قبال آن؛

۵. آموزش و آگاهی دهی والدین، معلمان و علما از حقوق اسلامی و انسانی اطفال و نحوه تأمین آن در خانواده و جامعه؛

۶. آموزش روش های تربیتی سالم، علمی و مطلوب و تغییر روش های سنتی و باورهای غلط تربیتی از قبیل تبعیض بین فرزند بزرگ و خرد خانواده، تبعیض بین پسر و دختر و تبعیض بین شاگردان، و یا استفاده از ضرب و شتم یا تحقیر و توهین برای تربیت؛

۷. آگاهی دهی و آموزش والدین، علما و معلمان از موقعیت های خطرناک، مصادیق جرم و جنایت علیه اطفال و ابعاد بزه دیده گی آن ها در جامعه؛

۸. آموزش نحوه اعلام این خطر ها به فرزندان و شاگردان و نحوه آماده نمودن آن ها در قبال انواع بزه دیده گی اطفال؛

۹. آموزش نحوه ارتباط منطقی والدین با فرزندان و خودداری از رفتار مضر از قبیل افراط و تفریط در محبت و تنبیه، تنبیه فیزیکی و تحقیر روانی جهت تربیت، از استحمام مشترک با فرزندان سه یا چهار سال به بالا، خوابیدن مشترک با آنها، دست‌زدن به اندام‌های تناسلی آنان (مدنی، ۱۳۸۳: ۲۳۷)؛
۱۰. آموزش والدین مبنی بر چه‌گونه‌گی انتقال جسارت به فرزندان و تواناسازی آنان بر «نه گفتن» در مقابل خواست‌های نابه‌جا و نامشروع؛
۱۱. آموزش نحوه برقراری ارتباط صمیمی والدین و معلمان با فرزندان و شاگردان و آگاهی از دیدگاه ایشان در قبال مشکلات خانواده، مدرسه و جامعه؛
۱۲. آموزش والدین در چه‌گونه‌گی آگاهی از مشکلات روحی، روانی و جسمی فرزندان و نحوه برخورد با فرزندان در معرض خطرهای بهره‌کشی؛
۱۳. آموزش والدین در ارتباط با مسائل مهم جنسی اطفال و نحوه انتقال آگاهی لازم به اطفال در این رابطه؛
۱۴. آموزش و تشویق والدین به اتخاذ خانواده هسته‌یی و دوری از خانواده گسترده و خودداری از تولید مثل مکرر و ازدیاد جمعیت خانواده.

۳-۷. راه‌کار اجرای آموزش

انتقال پیام‌های فوق به والدین، معلمان و علماء، کار ساده و آسانی نیست؛ از این رو، باید راه‌کارهای مناسبی اتخاذ شود، تا با کم‌ترین هزینه، بیش‌ترین نتیجه مطلوب در این زمینه را دریافت نمود. بنابراین اتخاذ راه‌کار مناسب به همان اندازه مهم و حیاتی است، که اصل محتوای آموزشی و انتقال پیام. این راه‌کار، با توجه به شرایط عمومی کشور می‌تواند متعدد و گسترده باشد، اما مهم‌ترین و مشمترترین آن مواردی است، که در ذیل پیش‌نهاد می‌شود:

۳-۷-۱. کلینیک مشاوره حقوقی خانواده

تأسیس این کلینیک با ارائه خدمات حقوقی و مشاوره‌یی رایگان، به‌عنوان یک ضرورت اجتماعی باید از سوی دولت پی‌گیری شود. این مسأله با توجه به رواج برخوردهای خشن، نقض حقوق اساسی بشر، به‌ویژه اطفال در اثر بی‌اطلاعی و بی‌سوادی والدین، رواج فرهنگ‌ها و باورهای غلط و نادرست و... در مناطق مختلف کشور از اهمیت ویژه‌یی برخوردار می‌باشد؛ چرا که بسیاری از مردم در مناطق مختلف، بر اثر توسعه‌نیافته‌گی عمومی کشور، رشد ناقص معارف، تبعیض‌ها و نابردباری‌های تاریخی و... از نعمت آگاهی محروم بوده و از حقوق، نیازها و باید‌های تربیتی اطفال اطلاع لازم نداشته و

راه کار کسب آن را نیز نمی دانند؛ بنابراین، کلینیک مذکور می تواند با کاربست نقش مناسب، جای گاه خود را یافته و آموزه های متعالی را در زمینه حقوق اسلامی و انسانی اطفال به مردم منتقل نماید. هم چنین کلینیک مذکور با دارابودن قدرت اجرایی در زمینه های خانواده گی، ازدواج، همسریابی و... نقش بازی نموده و به راه نمایی و جهت دهی جوانان به منظور تشکیل خانواده سالم و درنهایت ایجاد جامعه سالم و نسل های سالم، پردازد. سیاست حمایت از اطفال، ایجاب می کند که گذراندن دوره های مشاوره خانواده گی از دواج، بچه داری و... از سوی دولت اجباری گردیده و ثبت ازدواج منوط به گواهی این کلینیک گردد.

۳-۷-۲. ملاقات خانواده گی

یکی از برنامه ها و راه کارهای اجرایی در امر آموزش خانواده گی و انتقال پیام به فامیل ها، برنامه «ملاقات خانواده گی» است، که به صورت ادواری توسط مشاوران، مددکاران و سازمان های مجاز حمایت از اطفال، در بازدید از خانواده ها انجام می شود. این برنامه، یکی از ابتکارات ثمربخش است، که ضمن آگاهی از وضعیت اطفال، پیام ها و توصیه های لازم را به والدین در قبال حقوق، نیازها و شرایط نگه داری و تربیت اطفال به خانواده آموزش می دهد.

این برنامه باید تمرکز کاری خود را بر اطفال در معرض خطر قرار بدهد. اطفال در معرض خطر عبارتند از: اطفال دارای والدین معتاد، اطفال دارای خانواده ازهم گسیخته، اطفالی که والدین شان دارای بیماری مزمن جسمی یا معلولیت هستند، اطفال بیش فعال و یا پرخاش گر، اطفال معلول یا عقب مانده ذهنی، اطفال خانواده های فقیر، مهاجر و یا بی سرپرست و... . ملاقات خانواده گی می تواند حمایت معنوی و روانی مناسب و مفیدی را از این اطفال انجام دهد و میزان آسیب پذیری آنان را کاهش دهد؛ چنان چه این برنامه توسط برخی از مراکز در کشورهای دیگر جواب مثبت داده است. از جمله برنامه یی که «با همین گسترده گی به وسیله دانش گاه روچستر^۲ به اجرا گذاشته شده، منجر به کاهش ۷۹ درصد از بد رفتاری گردید، که اطفال می توانستند قربانی آن واقع شوند» (گاریو، ۱۳۸۱: ۲۸۲).

۳-۷-۳. کانون اولیا و مربیان

یکی از راه کارهای مناسب برای آموزش والدین و معلمان، جهت ایجاد فرهنگ مدارا با اطفال و آگاهی از شیوه های درست رفتاری با آنان، ایجاد کانون های اولیا و مربیان در مکاتب است، که از این

² Rochester

طریق رابطه سازمان‌یافته و مستمری میان والدین، معلمان و مدیران مکاتب برقرار می‌شود. در این ارتباط، بسیاری از گره‌های مشکل اخلاقی، رفتاری در قبال اطفال و شاگردان شناسایی و گشوده می‌شود.

نقطه‌های مشکل‌ساز برای اطفال در خانه و مکتب مورد شناسایی قرار گرفته و در یک هم‌فکری و هم‌کاری مناسب، راه‌کار منطقی در قبال آن اتخاذ می‌گردد. بدین ترتیب از بسیاری مشکلات اطفال آگاهی حاصل شده و ضمن طرد فرهنگ خشونت و باورهای غلط تربیتی، پیام‌های اساسی تأثیرگذار به والدین منتقل می‌شود.

۳-۷-۴. کلینیک حقوقی مراکز تربیت‌معلم

نکته دیگری که مثابه یک راه‌کار اساسی باید از سوی مسؤولان دولتی تأمین، حمایت و ترویج شود، کلینیک حقوقی مراکز تربیت‌معلم است. وجود این مرکز در سراسر ولایت‌ها و ولسوالی‌های کشور با توجه به شرایط و اوضاع و احوال موجود، یک ضرورت اجتماعی است؛ زیرا بسیاری از معلمان و علما، که اوقات زیادی از اطفال را به خود اختصاص داده و به‌صورت رسمی یا غیررسمی مشغول آموزش و پرورش اطفال می‌باشند، اطلاع کافی از حقوق، نیازها و ظرافت‌های اطفال ندارند و از اصول و روش‌های نوین تربیتی و آموزشی هم‌پی‌روی نمی‌کنند؛ بنابراین، بیش‌ترین آسیب روحی و جسمی را بر آنان تحمیل می‌کنند. وجود گزارش‌های مبنی بر برخورد نامناسب معلمان و تنبیه‌های غیرضروری و حتی غیرقانونی بدنی در مکاتب مختلف کشور، گواه این واقعیت است؛ ضمن این‌که مکتب‌خانه‌ها، دارالعلوم‌ها و دارالحفاظ‌های سراسر کشور نیز به‌نظر نمی‌رسد وضع به‌تری از این حیث داشته باشند.

بنابراین، ضروری است جهت رعایت حقوق بشری و حفظ کرامت انسانی اطفال و جلوگیری از انواع سوءاستفاده‌ها و سوءرفتارهای رایج در مراکز فوق، امارت اسلامی با تأسیس و حمایت کلینیک حقوقی در مراکز تربیت‌معلم سراسر کشور، گامی اساسی در زمینه توسعه و ترویج حقوق طفل بردارد. این تأسیس زمانی می‌تواند مفید واقع شود و از خشونت علیه اطفال جلوگیری نماید، که جنبه الزامی‌یافته باشد و همه معلمان، علما و کسانی که در حلقه آموزشی اطفال قرار می‌گیرند، ملزم به شرکت در برنامه‌های آن باشند.

وجود یک تأسیس حقوقی در مراکز تربیت‌معلم و الزام معلمان و شرکت در دوره‌های مختلف برنامه‌های آن به‌ویژه در زمینه حقوق اطفال و راه‌کارهای حمایتی از حقوق آن‌ها و نحوه برخورد و مواجهه با اطفال و... تأثیر مهمی در آگاهی‌بخشی آن دسته از علما و معلمان که با توهم‌های تربیتی موجب بزه‌دیدگی اطفال می‌شوند، بر جای گزارده و گام مهمی در برنامه پیش‌گیری رشد‌مدار از

بزه‌دیده‌گی اطفال به‌شمار می‌رود؛ چه این‌که ایده مداخلات روانی و اجتماعی نسبت به همه کسانی که با طفل سروکار دارند، از داده‌های این نوع از پیش‌گیری به‌شمار می‌رود.

۴. حوزه نظارتی

بخش دیگری از پاسخ‌ها در باب پیش‌گیری رشدمدار از خشونت علیه اطفال، جنبه نظارتی دارد. این امور، به‌اندازه خود آموزش مهم به‌نظر می‌رسد؛ چه این‌که هرگونه مداخله ترمیخس کارگذاران، نیازمند اطلاع کافی از موضوع است. آگاهی از موضوع نیز نیازمند نظارت فراگیر و مستمر می‌باشد. به‌خصوص که جرایم علیه اطفال غالباً در حوزه استحفاظی خانواده‌گی واقع می‌گردد. از همین رو است که آمار سیاه خشونت علیه اطفال با توجه به فرهنگ حاکم بر خانواده و جامعه و حاکمیت روح تابوگری افراطی، بالا است؛ بنابراین اهمیت «بخش نظارتی» پیش‌گیری رشدمدار اجتماعی به‌اندازه بخش آموزشی آن بوده و در سرنوشت اطفال، به‌ویژه در جلوگیری از پدیده طفل‌آزاری تأثیرگذار می‌باشد؛ با درنظر داشت این واقعیت توجه به مسائل ذیل ضروری است:

۴-۱. تأسیس مرکز آمار و گزارش

یکی از مهم‌ترین مراکزی که می‌تواند در بخش نظارتی پیش‌گیری رشدمدار اجتماعی از بزه‌دیده‌گی اطفال اثرگذار باشد، پیش‌بینی و تأسیس مرکز آمار و گزارش در زمینه خشونت علیه اطفال است؛ چه این‌که بسیاری از تصمیمات حمایتی یا پیش‌گیرانه نیازمند اطلاعات موثقی است که در چنین مرکزی جمع‌آوری، دسته‌بندی و ارزیابی گردیده باشد. طبیعی است که این مرکز می‌تواند با استفاده از ابزارهای مختلف، از قبیل ایجاد مرکز تلفن‌گویی مجانی جهت کسب اطلاعات، یا از طریق بازخوانی پرونده‌های کانون‌های مشاوره‌یی مکاتب، و یا از طریق ارتباط با معلمان و دبیران مدارس و علمای محل، اطلاعات و آمارهای تازه‌یی از وضعیت خطرناک اطفال، به‌ویژه اطفالی که در خانواده‌های معتاد، ازهم‌گسیخته و عقب‌مانده زنده‌گی می‌کنند و یا به دلیل وضعیت فرهنگی درخطر ازدواج تحمیلی، محرومیت از تحصیل و... می‌باشند، به دست آورد و اقدامات پیش‌گیرانه را به والدین، مددکاران اجتماعی و... توصیه نماید.

۴-۲. تأسیس جرگه‌های محلی

یکی از راه‌کارهای مناسب در بُعد نظارتی، پیش‌گیری اجتماعی رشدمدار از بزه‌دیده‌گی اطفال، پیش‌بینی شورا (جرگه)های محلی در قوانین ملی است. این شورا مطابق شرایط اقتصادی و متناسب با ساخت اجتماعی کشور می‌تواند تأثیر زیادی در

مناطق مختلف، به‌ویژه در قریه‌ها بر سرنوشت اطفال برجای گذارد. تشکیل یک جرگه محلی مرکب از اشخاص متنفذ، مددکاران اجتماعی، معلمان، علما و... زمینه حضور رسمی و قضایی را در مسائل محلی و خانواده‌گی محدود ساخته و بسیاری از مشکلات اجتماعی، خانواده‌گی و از جمله مسائل مختلف نقض حقوق طفل را با نظارت غیر رسمی، مردمی و محلی حل و فصل می‌نمایند. این جرگه‌ها با مشاوره‌دهی، میانجی‌گری و... از فاجعه‌های بزرگ‌تر جلوگیری می‌نمایند؛ البته ذکر این نکته ضروری است، که تشکیل این نهاد مردمی هرچند می‌تواند سیاست جنایی اجتماعی و مشارکتی را تقویت کند، اما ممکن است زمینه سوءاستفاده‌ها و سوءبرداشت‌ها و یا دخالت‌های زیادی را نیز به وجود آورد؛ از این‌رو، لازم است که جرگه‌ها هم در تشکیل و هم در ادامه فعالیت، در یک چهارچوب قانونی حرکت کنند.

۵. مناقشه

هرچند بسیاری در باب پیش‌گیری از جرم نوشته‌اند و بر تدابیر پیش‌گیرانه وضعی تأکید کرده‌اند، چنان‌که در نوشته‌های محمد داود رضایی و خانم نورمحمدی دیده می‌شود. برخی مانند غلام حضرت برهانی بر نقش قواعد کیفری و اجرای مجازات در امر پیش‌گیری تأکید می‌کنند (۱۳۹۹: ۳۷)؛ با این وجود، به نظر می‌رسد با در نظر داشت شرایط افغانستان، پیش‌گیری اجتماعی رشدمدار از خشونت علیه اطفال، مناسب‌تر است؛ چه این‌که این روی‌کرد از پیش‌گیری دارای مؤلفه‌هایی است که اثرگذاری تدابیر پیش‌گیرانه را نسبت به سایر روی‌کردها، بیش‌تر خواهد کرد.

اولین مؤلفه پیش‌گیری رشدمدار، جنبه «کنشی» آن است، یعنی باید به‌صورت پیشینی و قبل از وقوع جرم، قابل پیش‌بینی، طراحی و تدارک باشد؛ بنابراین، مجموعه تدابیری که بعد از وقوع جرم و در راستای حمایت از بزه‌دیده، بازپروری مجرم و جلوگیری از بزه‌کاری و یا بزه‌دیده‌گی دوباره، مکرر و یا دایمی آن‌ها، صورت گیرد، از دایره پیش‌گیری جرم‌شناسی خارج است.

مؤلفه دوم پیش‌گیری در این روی‌کرد، جنبه غیرتنبیهی و غیر قهرآمیزی آن است؛ از آن‌جا که پیش‌گیری جنبه تقدیمی دارد و تنها متوجه مرتکب نمی‌شود، بل که شرایط محیطی و اجتماعی بزه‌دیده را نیز در نظر دارد، لذا نمی‌تواند دارای ماهیت صرفاً کیفری و قهرآمیز باشد؛ بل که مجموعه‌یی از شیوه‌ها و شگردهایی است که از راه کارها و ابزارهای مختلف غیرکیفری برای کاهش جرم استفاده می‌کند.

مؤلفه سوم این‌که پیش‌گیری باید دارای انگیزه و نتیجه انحصاری و مشخص باشد؛ چرا که تدابیر اتخاذی در راستای جلوگیری از جرم و جنایت و اساساً تمام اقدامات پیش‌گیرانه باید دارای نوعی مطالعه، پیش‌بینی و تدارک باشد، که در این صورت کارکردهای تصادفی، بی‌هدف و بی‌ثمر نمی‌تواند

در شمار پیش‌گیری قرار گیرد.

مؤلفه چهارم پیش‌گیری در روی‌کرد رشدمدار این است که باید ناظر به اوضاع، احوال و شرایط جمعی باشد و دارای موضوع عام و مخاطب عمومی و جمعی باشد و این درواقع درست مخالف اقدامات فردی بازپرورانه‌یی است که در جرم‌شناسی بالینی مطرح است. در این روی‌کرد، تنها طفل قربانی خشونت و یا در معرض خشونت موردتوجه و مطالعه نیست، بل که هدف اتخاذ راه‌کاری است که جمع گسترده‌یی از افراد هم سرنوشت را در بر گیرد.

بالآخره مؤلفه پنجم پیش‌گیری در این روی‌کرد، این است که تدابیر اتخاذی به‌رغم جمعی‌بودن، باید به‌طور مستقیم ناظر به شرایط و اوضاع و احوال جرمی و متناسب به موضوع جنایت باشد. این تدابیر باید بتواند بر فرایند «گذار از اندیشه به عمل» تأثیر گذارد (عطارزاده، ۱۳۸۵: ۲۶) و بتواند اطفال را از آماج‌قرارگرفتن نجات دهد.

بدین ترتیب می‌توان اظهار داشت، که دولت در هر کشور، از جمله افغانستان وظیفه دارد اقدامات لازم و تدابیر پیش‌گیرانه مناسب را برای جلوگیری از خشونت علیه اطفال روی دست گیرد و ضمن صیانت از حقوق بشری آنان، زمینه رشد هم‌آهنگ و سالم آن‌ها را فراهم نماید. این خواسته، در آموزه‌های دینی مورد تأکید قرار گرفته است (بادامی، مقدادی و پیلهور، ۱۴۰۰: ۱۱۲). حمایت از اطفال در برابر خشونت، خواست انسانی است، که در اسناد مختلف بین‌المللی درج شده است. اسناد زیادی در قالب اعلامیه‌ها، کنوانسیون‌ها، پروتوکول‌های اختصاصی برای حمایت از حقوق اطفال موجود است، که دولت‌ها را ملزم به صیانت از اطفال در برابر هرگونه خشونت می‌نماید.

۶. نتیجه‌گیری

هرچند در نظام عدلی و قضایی افغانستان، سنت دیرینه رسمی‌شدن قضایای جنایی است. بسیاری عدالت را در اجرای مجازات می‌دانند. واقعیت اما این است که اجرای مجازات و تطبیق قواعد جزایی صرفاً وسیله است، نه هدف. در موضوع اطفال سنت رسمی‌شدن قضایا ره‌گشا نیست؛ از این‌رو، به‌جای برخورد‌های خشک قضایی، مناسب است، تدابیر پیش‌گیرانه مدنظر قرار گیرد. در پاسخ به این پرسش که با در نظر داشت شرایط افغانستان، چه تدابیری می‌توان برای پیش‌گیری از خشونت علیه اطفال اتخاذ نمود، می‌توان اظهار داشت که سازوکارهای پیش‌گیری از خشونت و اهتمام به جلوگیری از جرم علیه اطفال، به‌تر از اعمال قواعد جزایی و تطبیق مجازات است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد از میان انواع تدابیر پیش‌گیرانه، پیش‌گیری رشدمدار مناسب‌تر است؛ چه این‌که اطفال به دلیل شرایط سنی و میزان آسیب‌پذیری شان، بیش‌تر در معرض خطر اند و آماج جرم قرار می‌گیرند. این شاخصه اطفال، وضعیت مجرمانه را علیه آنان رقم می‌زند؛ از این‌رو، باید به تقویت اطفال اقدام نمود. راه درست

اتخاذ سازوکارهای آموزشی، نظارتی است که به رشد فکری، روانی و اجتماعی طفل منجر شود. راه‌کاهایی که با ارتقای ظرفیت اطفال، مصونیت آنان در برابر وضعیت مجرمانه را ارتقا بخشد. دسترسی به این ارمان، از دل تدابیر پیش‌گیرانه رشد‌مدار ممکن است.

تدابیر پیش‌گیرانه، پیش‌نهادهای مشخصی را در باب اصلاح متون آموزشی، ایجاد کانون مشاوره در مکاتب، آموزش اولیا و مربیان، برگزاری برنامه‌های حلقه‌های خانواده‌گی، تأسیس کلینیک حقوقی اطفال، ایجاد مرکز آمار و گزارش خشونت علیه اطفال و ... ارائه می‌کند. این موارد می‌تواند راه‌های مؤثری برای تأمین مصونیت اطفال به حساب آید.

ORCID

Abdul Malek Vahidi



<https://orcid.org/0009-0006-4164-5958>

سرچشمه‌ها

۱. اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۷۹). **پیش‌گیری از اعتیاد**. مجموعه مقالات همایش علمی و کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر. ج اول. تهران: انتشارات روزنامه رسمی.
۲. بادامی، محمدعلی؛ مقدادی، محمد مهدی و مرضیه پیلهور. (۱۴۰۰). «**نقش راه‌بردی آموزه‌های دینی باروی کرد فقهی برای پیش‌گیری و منع باتنبیه بدنی کودکان**». ایران: مبانی فقهی حقوق اسلامی. ۱۴ (۱). پیاپی ۲۷. صص ۷ تا ۲۱.
۳. برهانی، غلام حضرت. (۱۳۹۹). **سیاست کیفری افغانستان در قبال بزه و بزه‌کاری اطفال**. رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانش‌گاه تهران، پردیس فارابی دانش‌کده حقوق. بهره‌نمایی: دکتر ابراهیم شمس.
۴. رضایی، محمد داود. (۱۳۹۰). «**سیاست جنایی افغانستان در قبال اطفال بزه‌کار**». پایان‌نامه فوق‌لیسانس حقوق جزا و جرم‌شناسی جامعة المصطفی العالمیه، دانش‌کده حقوق. بهره‌نمایی: دکتر محمدعلی حاجی ده‌آبادی.
۵. شاکری، ابوالحسن. (۱۳۸۳). **قوة قضائیه و پیش‌گیری از جرم**. مجموعه مقالات همایش علمی و کاربردی پیش‌گیری از وقوع جرم. معاونت اجتماعی و پیش‌گیری از جرم. تهران: انتشارات و مطبوعات.
۶. عطارزاده، سعید. (۱۳۸۵). «**نقش باورهای دینی در پیش‌گیری از جرم با تکیه بر اسلام**». پایان‌نامه فوق‌لیسانس حقوق جزا و جرم‌شناسی دانش‌گاه تهران. پردیس فارابی، دانش‌کده حقوق. بهره‌نمایی: دکتر سید محمود میر خلیلی.

۷. گسن، ریموند. (۱۳۷۰). **جرم‌شناسی کاربردی**. ترجمه مهدی کی‌نیا. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
۸. محسنی. فرید. (۱۳۹۳). **دست‌آوردهای نظری و عملی جرم‌شناسی رشدمدار**. تهران: فصل‌نامه دیدگاه‌های حقوق قضایی. (۲)۶۶. صص ۱۴۵ تا ۱۶۸.
۹. مهدوی، محمود. (۱۳۹۸). **پیش‌گیری از جرم** (پیش‌گیری رشدمدار). چ چهارم. تهران: انتشارات سمت.
۱۰. نجفی ابرنآبادی، علی حسین. (۱۳۸۲). **پیش‌گیری عادلانه از جرم** (در علوم جنایی). مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر محمد آشوری. تهران: انتشارات سمت.
۱۱. نجفی ابرنآبادی، علی حسین. (۱۳۷۹). **تقریرات درس جرم‌شناسی** (پیش‌گیری). تهیه و تنظیم: محمدعلی بابایی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۱۲. نورمحمدی، معصومه سادات. (۱۳۹۰). **سیاست جنایی افغانستان در قبال زنان بزه‌دیده**. تهران: نشر میزان.
۱۳. **اعلامیه جهانی حقوق کودک**. مصوب ۱۹۵۹ م.
۱۴. **اعلامیه جهانی بقا توسعه و حمایت از کودک**. ۱۹۹۰ م.
۱۵. **برنامه اجرایی برای اجرای اعلامیه جهانی بقا، توسعه و حمایت از کودک**. مصوب ۱۹۹۰ م.
۱۶. **پروتوکول اختیاری منظم به کنوانسیون حقوق کودک در مورد فروش، فحشا و پورنوگرافی کودکان**. ۲۰۰۰ م.
۱۷. **ره‌نمودهای ملل متحد جهت پیش‌گیری از جرایم نوجوانان**. مصوب ۱۹۹۰ م.
۱۸. **کنوانسیون حمایت از کودکان در جهت اتخاذ هم‌کاری بین‌الدول**. ۱۹۹۳ م.
۱۹. **مقررات سازمان ملل متحد برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی**. مصوب ۱۹۹۰ م.

20. García, J. L. Heckman, J. J. & Ziff, A. L. (2019). "Early childhood education and crime". *Infant mental health journal*, 40(1), 141-151. (English)

References

1. Ardabili, Mohammad Ali. (1993). **Prevention of addiction. A collection of articles of the scientific and practical conference on different aspects of criminal policy against drugs**. The first c. Tehran: Official Newspaper Publications
2. Attarzadeh, Saeed. (2006). "**The role of religious beliefs in crime prevention based on Islam**". Master's thesis of criminal law and criminology of Tehran University. Farabi

- Campus, School of Law. Directed by: Dr. Seyed Mahmoud Mir Khalili.
3. Badami, Mohammad Ali; Moqdadi, Mohammad Mahdi and Marzieh Pilevor. (2021). **"The strategic role of the religious teachings of Bari-Kord Fakhi for the prevention and prohibition of corporal punishment of children"**. Iran: Jurisprudential foundations of Islamic law. 14(1). Series 27. pp. 7 to 21.
 4. Burhani, Ghulam Hazrat. (2019). **Afghanistan's criminal policy for delinquency and child delinquency**. Doctoral dissertation in criminal law and criminology, University of Tehran, Farabi Campus of Law School. Guided by: Dr. Ebrahim Shams.
 5. García, J. L. Heckman, J. J. & Ziff, A. L. (2019). Early childhood education and crime. *Infant mental health journal*, 40(1), 141-151. (English)
 6. Gassen, Raymond. (1991). **Applied criminology**. Translated by Mahdi Kenia. Tehran: Allameh Tabatabayi University Publications
 7. Mahdavi, Mahmoud. (2014). **Crime prevention (progressive prevention)**. The fourth Tehran: Samit Publications. The
 8. Mohseni. Farid (1393). **Theoretical and practical achievements of developmental criminology**. Tehran: Jurisprudential Perspectives Quarterly. 66(2). pp. 145 to 168.
 9. Najafi Abrandabadi, Ali Hossein. (2000). **Lectures on criminology (prevention)**. Prepared and arranged by: Mohammad Ali Babaei. Tehran: Tarbiat Modares University.
 10. Najafi Abrandabadi, Ali Hossein. (2003). **Just crime prevention (in criminology)**. A collection of articles in honor of Dr. Mohammad Ashuri. Tehran: Samit Publications
 11. Noor Mohammadi, Masoumeh Sadat. (2011). **Afghanistan's criminal policy towards women victims**. Tehran: Mizan Publishing.
 12. Rezaei, Mohammad Daud. (2011). **"Afghanistan's criminal policy towards delinquent children"**. Master's thesis of criminal law and criminology of Al-Mustafa Al-Alamiya University, School of Law. Guided by: Dr. Mohammad Ali Haji Dehabadi.
 13. Shakri, Abolhasan. (2004). **Judiciary and crime prevention. Proceedings of the scientific and practical crime prevention conference**. Social assistance and crime prevention. Tehran: Publications and Press.
 14. **Universal Declaration of the Rights of the Child**. Approved in 1959.
 15. **Global declaration of child survival, development and protection**. 1990
 16. **Executive program for the implementation of the global declaration on child survival, development and protection**. Approved in 1990.
 17. **Regular Optional Protocol to the Convention on the Rights of the Child regarding the sale, prostitution and pornography of children**. 2000
 18. **United Nations guidelines for the prevention of juvenile crimes**. Approved in 1990.
 19. **Convention on the protection of children in order to adopt international cooperation**. 1993
 20. **United Nations regulations for the protection of juveniles deprived of their freedom**. Approved in 1990.
-